

## صلح

**مسأله 1 - «صلح»** آن است که انسان با شخص دیگری در امری که مورد اختلاف است یا امکان دارد مورد اختلاف واقع شود سازش کند که مقداری از مال یا منفعت یا حقّ خود را به دیگری واگذار نماید، یا از طلب یا حقّ خود بگذرد که او هم در عوض مقداری از مال یا منافع خود را به او واگذار نماید، یا از طلب یا حقّ خود بگذرد و این را «صلح معوّض» می نامند و اگر این واگذاری بدون عوض باشد «صلح غیرمعوّض» نام دارد و هر دو صحیح است.

**مسأله 2 -** کسی که چیزی را به دیگری صلح می کند باید بالغ و عاقل باشد و کسی او را مجبور نکرده و در قصد صلح جدّی باشد و سفیه نباشد (اموال خود را بیهوده مصرف نکند) و نیز حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع نکرده باشد.

**مسأله 3 -** صلح را می توان با صیغه عربی یا فارسی یا هر زبان دیگری خواند، بلکه هر اقدام عملی که به وضوح نشان دهد طرفین می خواهند به وسیله آن صلح کنند کافی است.

**مسأله 4 -** اگر کسی بخواهد طلب خود را از دیگری در برابر عوض یا بدون عوض، به آن شخص صلح کند، در صورتی صحیح است که آن شخص قبول نماید، ولی اگر بخواهد از طلب یا حقّ خود بگذرد قبول کردن طرف دیگر لازم نیست.

**مسأله 5 -** اگر انسان با این که مقدار بدهی خود را می داند اظهار بی اطلاعی کند و طلبکار او نداند و طلب خود را به کمتر از مقداری که هست صلح کند صحیح نیست و بدهکار نسبت به مقدار اضافی مدیون است.

**مسأله 6 -** اگر بخواهند دو چیز از يك جنس را که وزن آنها معلوم است به یکدیگر صلح کنند در صورتی صحیح است که ربا لازم نیاید. یعنی اندازه هر دو یکی باشد.

**مسأله 7 -** هرگاه کسی از دیگری طلبی دارد که وقت آن نرسیده است چنانچه طلب خود را به مقدار کمتری صلح کند و مقصودش این باشد که از مقداری از طلب خود بگذرد و بقیّه را نقداً بگیرد اشکال ندارد.

**مسأله 8 -** قرارداد صلح را با موافقت طرفین می توان فسخ کرد، همچنین اگر در ضمن قرارداد برای یکی از آن دو، یا برای هر دو، حقّ فسخ قرار داده شده باشد آن شخص می تواند صلح را به هم بزند.